

فرار یک مرد عرب
از شهری به شهر دیگر
در عربستان میتواند
تاریخ واقعی ما باشد؟

پیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۸۰ سال پانزدهم
نشریه‌ی کانون خردمداری ایرانیان

ایران ما تاکنون
چند نوروز
به خود دیده است
فقط ۱۳۹۴ نوروز؟

نوروزتان فرخنده باد

نوروز آمده، قدری شادی باخود به خانه ببرید،

راه خانه تان را که یادگرفت فردا با پای خودش می آید

ابوریحان بیرونی

نوروز شما فرخنده و شادتر می شود اگر در این زمانه‌ی بیداد و گرانی،

دل تنگدستان و گرفتاران را شادمان کنید

علی شریعتی

تشیع علوی و صفوی

یادگارهای شوم

از شوم‌ترین یادگارهای عصر صفوی رونق فراوان مکتب مرگ و عزا است که از آن پس بر همه‌ی شئون اجتماعی و فردی مردم ایران سایه انداخت و فرهنگ ملی ما را از همان دوره، تبدیل به «فرهنگ بهشت زهرا» کرد.

در این باره، این تحلیل تاریخی در کتاب «تشیع علوی و تشیع صفوی» نوشته‌ی علی شریعتی بسیار جالب است:

«مراسمی از نوع تعزیه گردانی، شبیه سازی، نعل و علم و کتل و عمارت و پرده داری و شمایل کشی و معرکه گیری و قفل بندی و زنجیرزنی و تیغ زنی و موزیک و سنج زنی مانده در رویه‌ی ۳

دکتر م. ع. مهر آسا

به جای بررسی کتابهای مشهور به آسمانی

من چون کتاب بررسی مطالب قرآن را نوشته و به چاپ رسانده و در دسترس عموم قرار داده‌ام، از این روی صلاح نمی‌دانم همان مطالب ذکر شده در کتاب را دوباره در اینجا به عنوان مقاله به خوانندگان عرضه کنم. بهتر است خوانندگان گرامی کتاب «بررسی و تأملی در متن کتاب قرآن» را تهیه کنند و کل مطالبی را که در مورد کتاب قرآن نوشته شده است بخوانند تا به مهملات درون این کتاب و دروغ‌هایی که از قول الله نادیده و ناملموس آمده است بیشتر آگاه شوند... وقتی من می‌گویم دروغ‌های درون کتاب، اشاره‌ام بی جا نیست و خلاف حرف نزده و بی‌راه نرفته و ناروا نیز ننوشته‌ام.

از رویه‌ی نخست

به جای بررسی کتابهای مشهور به آسمانی

زیرا تمام داستان‌هایی که در کتاب قرآن نوشته شده است، بدون استثناء غیرواقعی و ساختگی و دروغ و یا اسطوره‌ای بوده هیچ یک از آنها اتفاق نیفتاده است. یعنی نه ابراهیمی وجود داشته است که پسر خود را برای اطفاء شهوت خودخواهی الله و ارضای خاطر او سر بُرد؛ و نه طوفان نوحی اتفاق افتاده؛ و نه دریایی شکافته شده است که یهودیان از شکافش بگذرند و فرعونیان در آن غرق شوند. تمام این حکایتها و کل این حکایت‌ها و کل این روایت‌های جفنگ، دروغ‌هایی هستند که محمد از روی تورات کپی برداری کرده و یا به‌هنگام سفرهای تجارتی به سرزمین شام زمانی که در استخدام خدیجه بوده است، از راهبان مسیحی درون کلیساهای آن نواحی شنیده؛ و برای پُر حجم کردن کتابش آنها را به قرآن افزوده است. آنها نه یک بار، بل بارها و به تکرار! تا کتابش به این شکل و اندازه حجیم و قطور شود!

همچنین وجود جهنم و بهشت با آن توصیف‌های عوام‌فریبانه؛ یعنی جهنمی با لهیب آتشی که مرتب آدمیان را می‌سوزانند و از نو بر بدنشان گوشت و پوست می‌رویانند و دوباره می‌سوزانند و گرزهای هزار منی بر سر گناهکاران می‌کوبند و مار و اژدهای هفت سر به‌جانشان می‌اندازند؛ یا بهشتی که از سبزه و گل و درخت پُر است و نهرهای آب گوارا و جوی‌های شیر و عسل و شراب در آن جاری است، همه کذب محض و دروغ مطلق است. بی هیچ تردید ساختن موجوداتی نامرئی به نام جن در ذهن حضرت محمد حاصل و نتیجه‌ی یک نوع بیماری دیوانگی به نام «شیزوفرنی» است. تنها چنین بیمارانی در ذهنشان موجودات ناملموس و نامأنوس و عجیب‌الخلقه می‌سازند و معرفی می‌کنند!

بنا بر این کتابهایی که به غلط به آسمانی مشهورند و به ادعای نویسندگان کم سواد و بی‌مایه‌شان از سوی الله از آسمان به زمین ارسال شده‌اند، همچون تورات و انجیل و قرآن مجموعه‌ای هستند از اباطیل و دروغ و مهملاتی مغایر با خرد که در همان زمان نوشتنشان نیز عده‌ای فهیم و دانا آنها را به مسخره گرفته‌اند.

خدای لاجود و لامکان و نادیده و ناملموس و نامحسوس، خدعه‌ای است که شیفتگان سروری و فرمانروایی و سلطنت در هیئت پیامبر ساخته‌اند تا با آن، عوام نادان را که در آن زمان ۹۹٪ هر جامعه‌ای را شامل می‌شد، بفریبند و به آن محملات راغب کرده و پیرو خود کنند. آنگاه در زیر چتر حمایت و علاقه‌ی این پیروان گوسفند صفت، خود بی‌کار در قصرهایشان بنشینند و در بهترین وضع مادی و معنوی بزیزند و با سروری و بزرگ منشی بر دیگران حتا بر محتشمان زمان خود فخر بفروشند. تمام آن سخنانی که در کتابهای سراسر دروغ دینی در مورد

انبیا و امامان نقل شده است و آنان را مردمانی همیشه گرسنه و آشنا با فقر توصیف می‌کنند، دروغهای بی‌شرمانه‌ای است که بعدها مریدان شیفته برای آنان رقم زده‌اند. این سخن که «علی از فرط گرسنگی به شکمش سنگ می‌بست» دروغی است به پهنای دین اسلام. با این یاوه‌گویی که محمد با «دو دانه خرما سدجوع می‌کرد و در خوردن غذا و آشامیدن پرهیزکار بود و سیر نشده دست از طعام می‌کشید...» همه دروغهای بی‌شرمانه و اتهامهای مثبتی است که بعدها شیفتگان دین اسلام به‌ویژه ملایان و آخوندها آنها را از خزینه‌ی ذهن معیوبشان بیرون کشیده و ثبت کتابها کرده‌اند.

مردی که در ۵۶ سالگی با دختری نه ساله ازدواج می‌کند؛ و یا هرشب می‌باید یکی از زنان متعدّدش همراه او به‌بستر برود؛ و حتا یک شب را بدون مجامعت به روز نیآورده است، نمی‌تواند با دو دانه خرما چنین کوه‌نوردی‌هایی را انجام داده باشد!

شما نیک بیندیشید و خوب دقت کنید؛ علی چندین سال از عمر خلیفه دوم سنش کمتر بود؛ با وجود این دخترش را به عقد عمر درمی‌آورد و دخترش زن عمر می‌شود. پی بُردن به فاصله سنی این زن و شوهر (دختر علی و خلیفه عمر ابن خطاب) نباید مشکل باشد. بی‌تردید فاصله‌ی سنی آنها از چهل سال بیشتر بوده است. چنین کسانی که در سر پیری داماد می‌شوند و همسران ۹ و ۱۰ ساله به‌رختخواب می‌برند، با زهد و قناعت و ورع روزگارشان نگذشته است. آنان از بهترین گوشت‌ها و طعام‌ها و اشربه خورده و نوشیده‌اند که قدرت چنین سخره‌نوردی‌ها را داشته‌اند.

به سخنی دیگر، دین‌هایی که مدعی‌اند برای راهنمایی و تربیت مردمان ابداع شده‌اند و مدعیانی که خود را پیامبر لقب داده و ادعای هدایت بشر را فریاد زده‌اند، در کل و بدون استثناء جز گمراهی و فریب آدمیان معجزی نداشته و کاری دیگر از پیش نبرده‌اند و ذره‌ای شعور در ذهن مخاطبان خود نریخته‌اند. بر عکس با دروغ و خدعه و بیان ناباوری‌ها، مغز پیروان خود را تبدیل به یک کاهدانی کرده‌اند و آنان را از ذهنی گرای و اندیشه‌وری فرسنگها دور نگه داشته‌اند. در ضمن با هدایایی که از جانب پیروان روانه حضورشان می‌شد، زندگی شاهانه داشتند و همانند سلاطین با رتق و فتق امور مردم و عوام کالانعام می‌پرداختند و حتا در امور جنسی و سکسیشان نیز مداخله می‌کردند؛ و دستور می‌دادند با همسرشان چگونه هم‌بستر شوند حتا اگر بر روی کوهان شتر باشد.

انسان تنها زمانی آزاد خواهد بود و می‌تواند پیشرفت واقعی داشته باشد که ذهن و اندیشه‌اش در اختیار خویشتن خویش باشد و خود را از قید بندگی و بردگی چوپانان و شترچرانان هزاران سال پیش برهاند. در آن حال هیچ نیازی به سخنان مغالطه‌آمیز و مهمل شیادانی به نام پیامبر نخواهد داشت.

نقاشی‌ها همان است، در حالی که صورت سازی در مذهب اسلام مکروه است. حتی نوری که به صورت یک هاله گرداگرد سرائمه و اهل بیت دیده می شود درست تقلیدی است، و شاید با فره ایزدی و فروغ یزدانی در ایران باستان توجیه شده است.

این تقلید از مراسم و تشریفات عزاداری مسیحیت اروپایی گاه به قدری ناشیانه صورت گرفته که شکل صلیب را هم که در مراسم مذهبی مسیحی ها جلو دسته ها میبرند، صفویه بدون اینکه کمترین تغییری در آن بدهند به ایران آوردند، و همین اکنون هم بدون توجه به شکل رمزی و مذهبی آن در مسیحیت، جلو دسته ها راه می‌برند و همه می‌بینند که شاخصه نمایان هر دسته سینه زنی همین صلیب یعنی (گتِل) است، که در نظر هیچ کس معلوم نیست برای چیست؟ و هیچ یک از آنهایی هم که آنرا می سازند و حمل می‌کنند نمی‌دانند برای چه چنین می‌کنند؟

میرزا آقا عسگری. مانی

نوروز و روزهای نور را بشما شادباش می‌گوییم

هم میهنان گرامی، حکومت جمهوری اسلامی از حکومت چنگیز و اسکندر قوی تر نیست، توان اینها به اندازه‌ی توان ناخن پاهای آن جنایتکاران هم نیست. با چنین تفاوتی نیاکان ما توانستند چنگیز و اسکندر و همانند ایشان را که کم نبودند از ایران برانند، بی‌گمان، ما هم می‌توانیم این جرثومه نایرانی و این حکومت آدمکش را با همت و حمیت و همکاری همگانی از میهنمان برانیم. (به‌واژه همگانی توجه فرمایید که به‌تنهایی و یک گروه و یک حزب نه قدرت و نه مقبولیت دارد که این حکومت را ساقط کند)

گرچه ایرانیان هنوز زیر نعلین روحانیون و مسلمان نماها مانده‌اند، اما از نظر فرهنگی کم و بیش برای جماعت نا ایرانی پیروز شده‌اند، ایرانیان حکومت جمهوری اسلامی را از درون پوک کرده و شکست داده‌اند. تنها پوسته‌ی نظامی این حکومت بر پیکر کشور افتاده است که امیدواریم این پوسته نظامی و عبای آخوندی هرچه زودتر به‌دست خود ایرانیان از هم دریده شود و آنها با برپایی یک حکومت سکولار، دموکراتیک، مردمی، امروزی و ایرانی، جایگاه بلند و ارجمند خود را در جهان بدست آورند. این حکومت، حکومت مُردگان است بر زندگان، حکومت بیگانگان است در سرزمین زرتشت خردمند، حکومت سیاهپوشان تازی است بر سپیدجامگان ایرانی. ما موظف هستیم به‌ندای نیاکانمان که از ژرفای تاریخ خونین این سرزمین می‌آید گوش فرا دهیم و نگذاریم بیش از این ددان و اهریمنان ناموس و شرف و هویت ما و سرزمین ما را لگد کوب امیال وحشیانه و نابخردانه خود کنند. نوروز بر شما خجسته باد

یادگارهای شوم از رویه‌ی نخست

و تعزیه خوانی و مصیبت خوانی و نوحه سرایی جمعی، مراسم و مظاهری است که از عهد صفویه به بعد در ایران معمول شد، زیرا تا آن وقت نه در نزد ملت ایران سابقه داشت، نه در دنیای اسلام و نه در مذهب شیعی. محققاً بسیاری از مردم نمی‌دانند که تمام این مراسم از عزاداری های مسیحیان اقتباس شد و برای این کار دولت صفوی مقامی را به سمت «وزیر امور روضه خوانی و تعزیه داری» مأموریت داد تا به اروپای شرقی که در آن هنگام صفویه روابط بسیار نزدیکی بر مبنای دشمنی مشترک با دولت عثمانی با آنها داشتند برود و در باره مراسم دینی و تشریفات مذهبی آنجا تحقیق کند. وی مدتی مطالعه کرد و بسیاری از آن سنت ها و مراسم جمعی مذهبی و تظاهرات اجتماعی مسیحیت و برگزاری و نقل مصیبت های مسیح و حواریون و شهدای تاریخ مسیحیت، و نیز علائم و شعائر و ابزارها و وسایل خاص این مراسم و دکورهای ویژه محافل دینی و کلیسا را اقتباس کرد و همه را به ایران آورد، و در آنجا با کمک روحانیون، آن فرم ها و رسوم را باتشیع و تاریخ تشیع و مصالح ملی و مذهبی ایران تطبیق دادند و به آن قالبهای مسیحی اروپایی، محتوای شیعی ایرانی بخشیدند.

اساس مراسم عزاداری مسیحیان بر نمایش زندگی شهدای نخستین نهضت مسیحیت و نشان دادن مظلومیت و شهادت آنان در دوران حکومت شرک و کفر امپراتوری سزارها و سرداران آنها است، و نیز شرح حال حواریون و بخصوص تراژدی مریم و بیان فضائل و کرامات و رنج ها و مظلومیت‌های او، و از همه مهمتر احیای خاطره خونین عیسی مسیح و شکنجه‌ها و ظلم‌ها و سختی‌هایی که از قوم خود و از ظلمه (رومی‌ها) تحمل کرده است این مراسم و اشکال برگزاری و نمایش و بیان آن در ایران صفویه تقلید و اقتباس شده و در خدمت تاریخ خاص شیعه و بیان مصائب اهل بیت و بالاخص شهادت امام حسین و خاندان و اصحابش قرار گرفته است.

قفل زنی و زنجیرزنی و سینه زنی و تیغ زنی، حتی هم‌اکنون نیز به‌همین شکل هر سال در شهر «لورد» در سالروز شهادت مسیح برگزار می‌شود. موسیقی که علما آنهمه مدعی کراهت و حرمت آن هستند در تعزیه‌ها حفظ شده است و پیداست که از مسیحیت آمده است. شبیه و تعزیر و نعش، تقلید کورکورانه‌ای از مراسم نمایش نعش عیسی بر صلیب و فرود آوردن و دفن آن است. نوحه‌های دسته جمعی درست یادآور «کور» های کلیسا است و پرده‌های سیاه که به شکل خاصی بر سر در تکیه‌ها و پایه‌ها و کتیبه‌ها آویخته می‌شود از پرده های کلیسا در مراسم مذهبی تقلید شده، و شمایل گردانی و نقش صورت ائمه و دشمنان آنها و حوادث کربلا و غیره که در میان مردم نمایش داده می‌شود، «پرتره» سازی مسیحی است. حتی اسلوب

سوداگران اسلام توجه فرمایند

نادر اکبری - اسپانیا

برگشت از اسلام

۲۵ فوریه ۲۰۱۵

نابسامانیهای فردی و کلاً اجتماعی از آنجا ریشه می‌گیرند که انسان نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد آنچه را که دیگر نیازی به آن نیست رها کند، یا آنچه را که برای رشد خود نیاز دارد بپذیرد. بازده چنین طرز تفکری انسانها و اجتماع‌ها را در عقب‌گرد یا رکودی قرار می‌دهد که برون رفت از آن را بسیار دشوار می‌کند. برای مثال دین و مذهب که قدمت برخی از آنها به چند هزار سال می‌رسد و برای انسانهای چند هزار سال پیش با طرز فکر چند هزار سال پیش پا به‌میدان اجتماعی گذاشتند هنوز پا برجا هستند و چه بسا بی‌شماری از این انسانهای قرن بیست و یکمی برای تثبیت و «حقانیت» چنین مذهب‌ها تا حد کشتن و کشته شدن پیش می‌روند. حال بگذریم که پشت پرده چنین ادیان و مذهب‌های اصولاً هوس و حرص مال و قدرت نهفته است. البته جهان مسیحیت، که یکی از ابر مذاهب جهان امروز است توانست تکلیف خود را با دین و مذهب روشن کند، با وجود اینکه در طول این مبارزه چند صد ساله شمار پیشتازان متفکر و روشنفکری که پایه‌های اندیشه‌های غیرمذهبی و به‌دنبال آن سکولاریسم را گذاشتند از تعداد انگشتان دست فراتر نمی‌رفت. تا آنجا که به جهان اسلام مربوط می‌شود الگو برداری «کامل» از رنسانس جهان مسیحیت می‌تواند هم «روشنفکران» مسلمان را به‌اشتباه بیاندازد و هم مؤمنین را. در اروپای مسیحی تقریباً همه شهروندان مسیحی مانند به‌دلیل این که طرز اندیشه «پیامبر» آنها الگوی بُردباری و صلح بود و مسائل سیاسی و کشورداری در دین آنها نمی‌گنجید. چنین چیزی در باره «پیامبر» مسلمانان و مذهب اسلام صدق نمی‌کند، و نوشته‌های کتاب مقدس آنها انباشته از خشونت است، و این درست همان چیزی است که مسلمانان را به‌این روز انداخته است. همچنین تا آنجا که به جهان اسلام مربوط می‌شود دلیل و منطق و برهان پشیزی ارزش ندارد، اگر داشت حال و روز مسلمین از این بهتر می‌بود. تنها راه بازگشت مسلمین به جهان متمدن و یک زندگانی آبرومندانه برگشت از اسلام است. تا آنجا که به ایران و ایرانیان مربوط می‌شود برگشت آنها از اسلام بسیار آسانتر خواهد بود، چون هزار و چهار صد سال اسلامی شدن ایران شکست خورد، آنها از «بیخ» نه مسلمان شدند نه عرب. همچنین ایرانیان از فرهنگ و جهانی‌بینی دیگری قبل از اسلام بهره‌مند هستند که می‌توانند به‌آن تکیه کنند، برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که بجز اسلام چیزی دیگری نمی‌شناسند. بهر حال شکی نیست که حکومت اسلامی در ایران و گروه‌ها و سازمانهای اپوزسیون به یک بن‌بست سیاسی و فرهنگی رسیده‌اند. حکومت اسلامی هیچ راهی ندارد بجز این که پشت دیوار ایدئولوژی خود عمر خود را سپری کند، ولی اپوزسیون سیاسی و فرهنگی می‌توانند با یک همبستگی جوابگوی جنبشی باشند که سخت به‌آن نیازمند هستیم.

پژوهشگر و باستانشناس بزرگ و سرشناس آلمان «سالومون رانیخ» پس از سالها مطالعه کامل قرآن بطور شبانه روز، و با ترجمه‌های گوناگون، نتیجه کار خود را از درک قرآن در چند سطر چنین به‌زبان می‌آورد.

«از دیدگاه ادبی این کتاب ارزش چندانی ندارد، حالات دکلمه‌ای، جملات تکراری، کودک سانی و تهدیدهای کودکانه، فقدان منطق و انسجام، همه و همه خواننده قرآن را در هر برگ آن متأسف می‌کند. از اینکه چنین نوشتار سخیفی مرکز ثقل سدها تفسیر و فرضیه شده است و میلیونها نفر هنوز وقت پُربهای خود را صرف آموختن آن می‌کنند، باعث شرمساری ست. کلاً این توهین به شعور آدمی است».

تأییدی بر کتاب «تاملی در متن کتاب قرآن» از دکتر محمد علی مهرآسا.

سایت خودنویس

مسعود موسوی

گزارش

سازمان بهداشت جهانی گزارش داد، سرانه مصرف مشروبات الکلی در ایران از روسیه و آلمان و بریتانیا و آمریکا بیشتر است. مردان ایرانی در سال حدود ۲۷ لیتر مشروب می‌نوشند و زن‌های ایرانی آنها که مشروب‌خور هستند ۱۸ لیتر، این در حالی است که تولید، فروش و نوشیدن مشروب‌های الکلی در ایران ممنوعیت شدید قانونی و شرعی دارد. «خوردن مشروبات الکلی در بین عمامه داران یعنی جامعه پاک روحانیت! نیز در سطح بالایی قرار دارد».

در این گزارش آمده است «بلاروس، مولداوی و روسیه بیشترین سرانه مصرف را پس از ایران دارا هستند و در فرانسه با وجود این که فقط ۵ در صد مردم مشروب نمی‌خورند سرانه مصرف ۱۳ لیتر در سال است و رتبه ۱۱۳ را در میان کشورهای مشروب‌خوار دارد».

بهترین کتابی که تابحال برد و علیه اسلام نوشته شده است خود قرآن است.

یک نظر خواهی در شماره گذشته داشتیم. بجز یک پاسخ آری که کاریکاتور محمد را چاپ کنید، بقیه شرکت کنندگان ضرورتی برای آن نمی‌دیدند و بیم داشتند، بیداری را دیگر نبینند!!

پرویز مینویی

خیالاتی نباشیم

من خورشیدی ساختم که اگر آن را به اندازه یک هندوانه تصور کنید، کره زمین به بزرگی یک دانه خشخاش، یا یک دانه ارزن خواهد بود و من در کهکشان راه شیری... میلیارد ها خورشید ساختم و در تمام دنیا میلیارد ها کهکشان ساختم. تصادفاً از روی کنجکاوی نگاهی داشتم به شما انسانها...

من طبیعت و موجودات اولیه را طوری برنامه ریزی کرده‌ام، که شما انسان ها طی میلیون ها سال در اثر تکامل مرحله به مرحله، از موجودات پست به وجود بیایید و کامل تر شوید. حالا شما بالاتنه تان به درد می آید، می گوئید «خدایا...» پائین تنه تان درد می گیرد، می گوئید «خدایا...» مثل می ماند که یک مورچه‌ی باغچه شما غذا پیدا نکند نام شما را ببرد و یا اگر لانه اش را آب بگیرد نام شما را صدا کند! من آنجا نیستم و در حال مشاهده یک یک شما نیستم. ولی شما از هنگامی که خودتان را می شناسید مرا صدا می کنید و با وجود آن که هیچ وقت من صدای شما را نمی شنوم و پاسخ شما را نمی دهم... باز هم تا هنگام مرگ مرا صدا می زنید. این همه خدایا... خدایا... گفته اید... آیا یکی از شما... حتی یک بار شنیده است من بگویم «چه می خواهی؟» حتی یک نفر از بین شما ۷ میلیارد نفر صدای مرا شنیده است! اما باز همه مرا صدا می کنید! پس وقتی می گویم شما آدم های زمینی مشنگ و ساده هستید قبول کنید.

البته آدم هایی پیدا شده اند یا خیالاتی بوده اند یا بیماری «اسکیزوفرنی» داشته اند و خیالات خود را حقیقت تصور کرده اند یا از روی شیادی و سودجویی آمده اند و از قول من حرف هایی زده اند و مثلاً دین هایی آورده اند و دستوراتی داده اند که متفاوت با هم است ولی همه خود را پیامبر من نامیده اند. بسیاری از شما «خرد» خود را به کار نمی برید! تو که می توانی از طریق اینترنت با مردمانی در سر تا سر کره زمین حرف بزنی بگوئی و بشنوی و حتی ببینی و دستور بدهی و دستور بگیری... یک لحظه فکر کرده ای که راه های ارتباط من... اگر بخواهم با آدم های زمینی رابطه برقرار کنم بسیار پیشرفته تر از اینترنت خواهد بود؟ من بدون اینترنت در مغز خروس های همه دنیا دستوری گذاشته ام که قبل از طلوع خورشید «قولو قولو» کنند. فکرمی کنید به راحتی می توانستم در مغز شما هم چنین دستور هایی بگذارم؟ شما که مسلمانید و دستور های ضد و نقیض محمد را باور کرده اید و آن هم بدون فکر و بدون مقایسه... آیا احساس گناه نمی کنید که روزی ۱۷ بار به من می گوئید ما را به راهی هدایت کن که به مردمان «انعمت و علیهم» نشان دادی و به راهی که به مردمان «مغضوب علیهم» نشان دادی هدایت نکن! آیا نزد خود احساس گناه نمی کنید که به من می گوئید من دو راه دارم، از کسانی که خوشم بیاید به راه اول و از کسانی که بدم بیاید به راه دوم می فرستم! در حالی که همه آدم ها را خودم در اثر تکامل به وجود آورده ام. وای بر شما، نگران نمی شوید که مرا دور و ریاکار می دانید؟

تنهای بختیاری - اصفهان

ایرانی ها امروز درون کشور دستکم سه تا شخصیت دارند، یکی شخصیت ذاتی و واقعی خودشان است دوم شخصیت درست شده توسط رژیم فریبکار و دروغگو که همه را متقلب و حقه باز کرده و سومین شخصیت هم مربوط می شود به روزگاری که بر ما سخت گرفته است و ما را از ویژه گی های انسانی و عطوفت و گذشت تهی نموده با این حساب روشن ۸۰ میلیون ایرانی را ضربدر سه شخصیت او بکنید، جمعیت ایران امروز می شود چیزی نزدیک به ۲۴۰ میلیون نفر و هیچ احتیاجی به افزایش جمعیت نداریم و به خواست خامنه ای که افزایش جمعیت و بدبخت تر کردن مردم است باید پاسخ منفی داد.

* خدایا من هیچکدام از احکامات را انجام ندادم، نماز نخواندم، روزه نگرفتم، حج نرفتم، خمس و ذکات ندادم اما بجایش در زندگی ام تا امروز دروغ نگفتم، تهمت نزد من، به کسی آزار نرساندم، حرام خوری نکردم، سرکشی کلاه نگذاشتم، دل کسی را نشکستم، و سرم بکار خودم بود و مجموعاً آدم درستکاری بودم. حالا حتماً مرا به جهنم می فرستی که احکامات را انجام ندادم؟ اگر چنین است به جهنم که مرا به جهنم می فرستی.

اگر سنگ نجس بود، خدا چرا آفرید. گلبانو

طنز جدی

- بزرگترین منبع گاز و نفت ایران در پارس جنوبی کشف شد، این کشف بزرگ را به ملت های سوریه، فلسطین، لبنان، بورکینافاسو، و سایر گدا گرسنه های دوست تبریک می گوئیم و از زنان عزیز هم میهن می خواهیم حجاب خود را رعایت کنند!

- حاجیه خانم شوهرش فوت می کند و بالای جنازه نشسته دست از گریه نمی کشد، هرچه دلداری اش می دهند گوش نمی کند آخر سر می گوید «من با این حرفها، آروم نمی گیرم، اول یکی بیارین بذارین جاش، بعد جنازه شو، هر جهنمی میخوانی ببرین».

- آیت اله اولین بار سوار هواپیما شد رفت مشهد، از هواپیما که پیاده میشد وسط پله ها شلوارش افتاد پایین، داد زد «حالا اون عتتر خانومی که گفت کمربندارو باز کنید بیاد جواب بده»

- کشتی در حال غرق شدن بود - کاپیتان پرسید کسی دعا کردن بلده، آخونده گفت من کارم دعا کردنه - کاپیتان گفت - شما دعا کن که خدا نجاتت بده، ما به بقیه جلیقه نجات میدیم، چون یک جلیقه کم داریم.

بابک (علیرضا) سپاسی

سیاوش لشگری

عرفان حلقه‌ای!

مختصات ملی و انسانی

برگستره‌ی فرهنگ بیمار ایران هر روز ویروس جدیدی رو به رشد می‌نهد و بیماری دیگری برتن رنجور در حال مرگش می‌نشیند. عرفان حلقه‌ای یکی از وحشتناک‌ترین آن‌هاست. عرفان حلقه‌ای که براعتقادی ابلهانه راه افتاده مدعی است از سوی کیهان و افلاک گاهی حلقه‌ای به کسانی وصل می‌شود عرفان حلقه‌ای در راستای کار شیادی و دغل بازی خود دکان جدیدی را بنام انرژی درمانی نیز براه انداخته و ترویج می‌دهد.

با این باور دوران سنگی که یادآور جادوگران در عصر غارنشینی است بیماران بسیاری با انجام آن از مداوای علمی و درست پزشکی غافل می‌شوند و می‌میرند. از آن جمله بیماران سرطانی هستند که به دام دلالتان این شیادی گرفتار می‌گردند و جان خود را از دست می‌دهند. دلالتان عرفان حلقه‌ای در بیرون از کشور به جعلیات مردی که اینک در زندان جمهوری اسلامی است و به وجود آورنده این ترفند بوده دامن می‌زنند و به اشاعه آن کوشا شده‌اند.

جمهوری اسلامی رهبر خرافه‌پرور این گروه را که به صورت رقیب خود در تقلب و شیادی می‌بیند به زندان انداخته که دکان دیگری در برابر دکان آنها باز نگردد.

من همه‌ی فرهیختگان این جامعه را به افشای این تقلب و ترفند دعوت می‌کنم.

بیداری - همانطور که گفته شد مبتکر عرفان حلقه‌ای (آقای طاهری) در بند جمهوری اسلامی اسیر شده و امکان اعدام کردن او هم وجود دارد. با وجود اینکه این مرد خرافه‌پرور بزرگی است و به فساد اخلاق می‌پردازد اما از صمیم قلب آرزوی آزادی او را داریم و امیدواریم که در دست مسلمانان جان خود را از دست ندهد و بجای خرافه به خردگرایی روی بیاورد.

یکی از جوانان ایران یک نکته مثبت از رژیم آخوندی پیدا کرد. می‌نویسد، با این وضع تحریم‌ها و گرانی و بدبختی، دیگر مردم نمی‌گویند، هر آنکس که دندان دهد نان دهد! و ثابت شده که نظر خداوند رحمان رحیم عوض شده و هر آنکس که نان ندارد بهتر است بمیرد. گلبانو

به یمن ترس و بی تفاوتی مردم، هر روز از گوردستان چهار پنج جوان را می‌آورند کرج درون زندان یا جلوی چشم مردم اعدام می‌کنند، هر روز از بلوچستان سه چهار نفر را می‌آورند تهران و در زندان اوین اعدام می‌کنند. هر روز از سیستان و خراسان و آذربایجان و گرگان و اصفهان و قزوین و جابجای ایران دسته دسته جوانانی را که سالها در زندان بوده‌اند در ظاهر با نام‌های قاچاقچی و زورگیر و قاتل که در باطن هیچکس نمی‌داند این جوانها راستی به کدام جرمی و در کدام دادگاه عادلانه‌ای به اعدام محکوم شده‌اند به تهران و کرج و زندانهای گوناگون می‌آورند و ظرف یکماه هم اعدامشان می‌کنند. و در همه‌ی این اعدامها فقط پنج تا ده نفری از بستگان نزدیک مانند پدر و مادر پیر آنها و یا زن و بچه جوان آنها جلوی این زندانها به گریه و ناله و التماس ضجه و فریاد می‌زنند. و بقیه مردم در خانه‌های خود در خواب شیرین فرو رفته‌اند و کوچکترین توجهی هم اگر صدای آنها را بشنوند نمی‌کنند. و در میانه‌های شب نزدیک بامداد با شنیده شدن صدای چند تیر و رگبار و یا پس از آمد و شد سریع چند خودرو به درون و بیرون زندان فامیل در حال فغان امیدشان از همه چیز و همه کس حتا خدا قطع شده و می‌فهمند که کار جگرگوشه شان به پایان رسیده است و اوج ناله‌ها و گریه‌ها هنگامی است که در زندان باز می‌شود و دوسه تا لباس خاکی پاره و دمپایی کهنه را به عنوان باقیمانده اعدامی جلوی این بدبخت‌ها می‌اندازند و می‌روند! و آب از آب تکان نمی‌خورد و این ماجرا هر روز ادامه دارد. آیا بنظر شما ما ملت ایران مختصات یک ملت و یک انسان را از دست نداده‌ایم؟ یک جوان سیاهپوست را در شهر فرگوسن آمریکا پلیس، آنهم به اشتباه کشته است، مردم این شهر سه ماه است خواب ندارند و فریاد خونخواهی و عدالتخواهی می‌کنند. ما ایرانی‌ها حتا برای یک نفر از میلیونها جوانی که بدست جمهوری اسلامی ظرف ۳۷ سال اعدام و کشته و از بین رفته‌اند، نیم‌خیز هم نشدیم چه برسد که برخیزیم و قیام کنیم. ما به سرعت ویژگی «یک ملت بودن» را در حال از دست دادن هستیم. پس عجیب نیست هنگامی که اعراب در جشن و پایکوبی هستند، ما ایرانی‌ها برای اجداد آنها سوگواری می‌کنیم و در اصل نیاکان خود را کافرانی می‌پنداریم که به دست اعراب به راه راست هدایت شدند!!

به باور من اگر ایرانیان در پانزده قرن گذشته تنها سوره ابراهیم قرآن را خوانده بودند، حتماً امروز زندگی بهتری داشتیم و ایران به این روز نمی‌افتاد. دکتر محمود رضائیان

جی - اندرسون

برگردان: محمد خوارزمی

خدا انسان را خلق کرد یا انسان خدا را؟

چندی است دانشمندان ویژه‌ای که بر بخش جایگاه اندیشه در مغز انسان کار می‌کنند موفق به یافتن DNA مذهب در آن شده‌اند. آنها تئوری‌های نیرومندی ارائه داده‌اند که بر پایه شواهد تجربی استوار می‌باشد. از آن جمله با دیدن X Ray ، MRI ، Cat scan و Ct scan و غیره این نتیجه را تأیید کرده‌اند که، انسان بخاطر نیازهای شدید حمایت که در مغزش دیده شده، خدا را برای خود آفریده است، نه اینکه خدا انسان را آفریده باشد.

با این آزمایش‌ها ثابت می‌شود هرچه دانش را بیشتر می‌شناسیم و جلو می‌رویم به این نتیجه نزدیک می‌شویم که همه گفته‌های مذهبی از قبیل بهشت و جهنم داستانهای ساختگی و موهومند در پی این آزمایش‌ها و از شناخت فیزیولوژیکی مغز ما انسانها متوجه شده‌اند مکانیزم وابسته به ایمان در درازای زمان باگزینش طبیعت (Natural selection) تکامل و انتخاب شده است.

جلب حمایت در این بخش از مغز به پیشینیان ما یاری داد تا آنها به‌طور گروهی و حمایتی با کارائی بیشتری عمل کنند تا زنده بمانند و تولید نسل کنند. این ویژگی مدتها پیش از تاریخ مکتوب در بنیادهای پستانداران بدوی و گله‌داران آفریقایی ریشه پیدا کرده است. احتیاج شدید به هم پیوستگی و حمایت‌گیری ما را در سال ۱۹۴۰ که در ژن انسان و حیوان وجود دارد دو دانشمند بنام John Bowlby و Mary Ainsworth شناسایی و ارائه کردند.

بقای فردی که با حمایت مادران آغاز گردید از جانب حمایت‌کنندگان فزونی یافت. این وابستگی از راه شیمیایی مغز تقویت شده و به تدریج دگرگون شده و شبکه‌های عصبی به آن اختصاص یافت.

ما خیلی ساده این نیاز درونی به حمایت شدن از قدرت را در درون خود توسعه می‌دهیم که از آن جمله‌اند حمایت گرفتن از رهبران مذهبی و به صورت بارزتر حمایت گرفتن از نیروی خدایان. خدا یک موجود فوق قدرت می‌شود که قادر است از ما نگهداری و حمایت کند حتی تا پس از این که وجود جسمانی ما با مرگ از بین برود.

دانشمندان تا این لحظه حدود بیست مورد بهم پیوسته‌ی سازش با محیط که خشت‌های زیر بنای پیدایش مذهب است شناسایی کرده‌اند. بررسی نگاره‌های مغزی در انستیتوی بهداشت نشان داد که وقتی افراد مورد آزمایش برایشان جملات مذهبی خوانده شده و از آنها خواسته شده با آن جمله موافقت یا مخالفت کنند همان شبکه‌های عصبی مغز که مربوط به توانایی ما در ایجاد رابطه با دیگران و جلب حمایت است درگیر می‌شدند.

در بخش گزینش مربوط به مذهب، نیاز ما برای مقابله به مثل و توانایی داشتن رابطه عاشقانه و تنفر شدید نسبت به گروههای خارج از دایره دوستان ما به همان شدت وفاداری به گروه وابسته به ما قرار دارد. مذهب این ویژگی‌ها را می‌دزد.

در پایان این مقاله که مقاله‌ای سنگین و علمی و خیلی هم طولانی است می‌آید، نبردهای بین ادیان مانند اختلاف‌های بین پروتستانها و کاتولیک‌ها، بین سنی‌ها و شیعیان و غیره همه به دلیل تمایلات گروهی است که همه در مغز و همان بخش نیاز به حمایت و تمایلات گروهی (چه آسمانی و چه زمینی) ما به وجود آمده است.

علاوه بر این دانشمندان دریافتند که بشر توانایی قابل توجهی پیدا کرده که اندیشه دیگران را بخواند و در پی همین آزمایش‌ها مشخص گردید که کودکان در سال‌های اول زندگی خود احساس‌های درست و نادرست، بد و خوب حتی منصفانه و غیر منصفانه را بدون دیدن آموزش از خود نشان می‌دهند.

آمریکابرف آمده یک متر، مجری اخبار تلویزن در جمهوری اسلامی ایران می‌گوید، نزول بلاهای آسمانی آمریکا را فلج کرد!!

در خوزستان طوفان شن و خاک بپا شده، همان مجری می‌گوید، خوزستان را باز بوی کربلا گرفت!!

نه تنها آب و برق مجانی شد، گاز هم آمده مفت و مجانی، امسال قیمت گاز نسبت به پارسال دو برابر مجانی تر شده. شایعه است که همین روزها بهای آب و برق هم چند برابر مجانی تر خواهد شد. عیب کار این شد که روحانیت رفت به قم و داخل مسجدها، و حکومت را داد دست نااهلش.

جهان بزرگتر از آن است که کسی آن را آفریده باشد.

ع - ک

«چه سخن درست و جانانه‌ای»

دکتر مهر آسا

کجاست؟ جهنم

اگر شما هم مانند من می دانستید جهنم کجاست شاید برایتان اینقدر عجیب نبود. جهنم نام دره‌ای است در نزدیکی اورشلیم (بیت المقدس) که در جنوب کوه صهیون واقع است. نام این دره در زبان عبری (زبان یهودیان و دین یهود) گهینوم بوده است و از آنجایی که اعراب گ ندارند، آنها لغات را معرب می‌کنند یعنی گ را با ج جایگزین می‌کنند (مانند گرگان که در عربی جرجان می‌خوانند، گوهر که جوهر و جواهر شده است) این واژه گهینوم هم به جهینوم، سپس جهنم تبدیل شده است.

بله جهنم یک مکان واقعی و دره‌ای در نزدیکی شهر اورشلیم کشور اسرائیل است و برای همین است واژه‌ی جهنم دره در مثل پارسی هم وجود دارد (نمونه: کدام جهنم دره‌ای بوده‌ای؟)

اما چه شد که این دره اینقدر مشهور شد را باید نگاهی به تاریخ بیان‌دازیم. گهینوم مختصر شده‌ی گه بن هینوم بوده = گه + بن + هینوم = دره + پسر + هینوم. یعنی دره‌ی پسر هینوم. اما چرا نام این منطقه گهینوم شد کمی باز می‌گردد به زمانی که در این منطقه مردمان کنعان و فینیقیه به خدایانی بنام مُلک و بعل باور داشته‌اند و در این دره پرستشگاهی برای بت های این دو خدا آفریده بودند و برای این خدایان قربانی می‌کردند. این قربانی کردن انقدر گسترش و متعصبانه شد که روزی فردی بنام هینوم پسر خود را در این مکان قربانی کرد و از آن پس نام این دره به گه بن هینوم یعنی دره‌ی پسر هینوم تغییر یافت و رفته رفته بن از نام حذف شد و گهینوم نام دره شد.

حال چه شد که نام این دره به متون مقدس ادیان ابراهیمی راه پیدا کرد ادامه‌ی این یک داستان تاریخی است و آن از این قرار است که پس از برچیده شدن ادیان پیشین این دره کاربری خود را تغییر داد و به محل سوزاندن زباله های شهر تبدیل شد. بعدها، افراد آن منطقه، براساس اعتقاد خود، جنازه‌ی کسانی را که از رستگاری نومید شده بودند مثل جانیان، قاتلان و آدم هایی را که دست به خودکشی می‌زدند، در این مکان می سوزانند. همیشه بوی گندی می‌داد و جای بدی بود که مردمان این منطقه ضرب‌المثل از پلشتی و زباله دانی را به این دره نسبت می داده‌اند و چون مکان سوزاندن جسد آدم های بدکاره بود در میان مردم به صورت دشنام مثل بود که تو لایق گهینوم هستی یعنی جنازه‌ات را باید در آنجا سوزاند.

رفته رفته این نام و این مثل به درون کتاب های مقدس ادیان راه پیدا کرد و برای آن افسانه‌ها سرودند و آنرا زندگی رقت بار پس از مرگ کردند و با آب و تاب توصیفی از آن شده و جالب اینکه در خود آیین یهود زندگی پس از مرگ بهشت و جهنمی ندارد و این افزوده ها و

برداشت نام گهینوم و جهنم به دو دین مسیحیت و اسلام باز می‌گردد. مکانی که ادیان ما را از آن می ترسانند در حال حاضر به پارکی زیبا تبدیل شده است و شما می‌توانید از این مکان تاریخی بصورت توریست دیدار کنید.

نکته های زیبای خوانندگان بیداری

- کاش انسانیت واگیر داشت و حماقت واکسن - شهین
- مسلمان اگر دروغ نگوید مسلمان نیست - ماها رمضان
- بجای ایمان، سیمان آورده بودید، ایران تابحال آباد شده بود - گلبانو
- قرن ها طول خواهد کشید تا مسلمانها بفهمند محمد چه کلاه بزرگی بر سرشان گذاشته است - یلدا آزاد
- من خدای خود هستم، چون روزی‌ام را خودم در می‌آورم، شغلم را خودم انتخاب می‌کنم، همسرم را خودم انتخاب می‌کنم، دوستانم را خودم انتخاب می‌کنم.....- حسنعلی
- اگر نذری ها و صدقه خود را در سطل زباله بریزید زودتر بدست مستحق می رسد تا بداخل صندوق های صدقه و ضریح امامزاده ها بیندازید - بوکانی
- جهان سوم محل نیست، شخص است، طرز فکر است، مردمانی هستند که درآمد دعا نویس شان از درآمد یک کارمند و یک پلیس بیشتر است. مردمانی که با یک استخاره برنامه خود را تغییر می‌دهند و با یک عطسه از هدف خود منصرف می‌شوند - ایزدیار
- ما به دانش خود از خدای شما امیدوارتریم - آرش جاویدان
- هنگامی که من فقر، بی عدالتی، گشتار، زندان و تجاوز را می‌بینم وقتی برای فکر کردن به خدا ندارم - آرش جاویدان
- آخدا ادعا کرده همه دنیا را از هیچ خلق کرده، آن وقت زن را باید از دنده‌ی من (مرد) خلق کند! - الف - آزاد
- خداهایی که هستند و دیده می شوند (بت ها) سخن نمی‌گویند و خداهایی که نیستند و دیده نمی شوند سخن می‌گویند. البته تنها با یک نفر بنام پیامبر - نیما راد
- مُردگان پیشین براندیشه مسلمانان امروز حکومت می‌کنند - مانی

خانم و آقای نمازخوانی که زندگی‌ات از زندگی سگهای ولگرد بدتر و آشفته‌تر است، تاکی کمر جلوی خدا خم می‌کنی، دستانت را بسوی کدام خدا دراز می‌کنی و رو به کدام قبله می‌ایستی که خاصیت یک دانه پفک نمکی را هم ندارد. اگر زمانی را که یک مسلمان به خدا فکر می‌کند بحال خودش فکر می‌کرد، همه مشکلاتش حل می‌شد.

آرش جاویدان دانشمندان جوان

ماکی و چه هستیم

در حجمی که خورشید اشغال کرده می‌توان یک میلیون کره زمین را در آن جای داد! جهان در کل آنقدر بزرگ است که حتا اندازه فرضی آنهم در ذهن ما نمی‌گنجد، زمین با این همه بزرگی، با اقیانوس‌ها و کوه‌هایش در برابر همین خورشید که هر روز او را می‌بینیم و زندگی ما از اوست همچون ذره‌ای بیش نیست.

این تازه اول ماجراست، بزرگی کیهان صرفاً به‌خاطر بزرگی کرات و ستاره‌ها و منظومه‌هایش نیست، بلکه فاصله‌ی بسیار زیاد اجرام (کرات و ستاره‌ها و منظومه‌ها) از یکدیگر است که باعث پهناور شدن جهان هستی می‌شود. به‌عنوان مثال فاصله‌ی زمین تا خورشید حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است. دورترین جرم شناخته شد (با ابزارهایی که تاکنون ساخته‌ایم) در منظومه شمسی سیاره پلوتو است، نور خورشید برای رسیدن به پلوتو حدود ۱۰ ساعت در راه است در حالی که نور خورشید در ۸ دقیقه نوری به زمین می‌رسد.

قطر منظومه شمسی فعلاً تا پلوتو حدود یک روز نوری است که می‌شود چیزی حدود ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر است. تا اینجا منظومه شمسی خودمان بود، اما نزدیکترین ستاره به ما بعد از خورشید در همین منظومه شمسی آلفا قنطورس است که حدود ۳ تا ۴ سال نوری با زمین فاصله دارد که می‌شود ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر. این منظومه شمسی خودش عضوی بسیار کوچک از یک مجموعه بسیار بزرگ به نام کهکشان راه شیری است. راه شیری شامل سدها میلیاردها ستاره است که خورشید یکی از آنهاست احتمالاً پیرامون بسیاری از این سدها میلیاردها ستاره، سیاراتی مانند زمین در گردش‌اند که حتا ممکن است شامل حیات هم باشند، پس فهم کهکشان راه شیری به‌تنهایی از قوه ادراک ما بیرون است. حال این یک کهکشان بود در صورتیکه در جهان میلیاردها کهکشان وجود دارد که هرکدام میلیاردها ستاره دارند و همه این کهکشانها به‌فاصله بیلیونها سال نوری در کیهان پراکنده شده‌اند. تازه طبق قانون هابل و نظریه بیگ بنگ این کهکشانها به‌سرعت در حال دور شدن از هم هستند و جهان در حال انبساط است و فاصله بین کهکشانها و در مجموع ستاره‌ها با هم بیشتر و بیشتر می‌شود. با این حساب فضا بی‌انتهاست و همین پهناور بودن گیتی است که باعث شده چگالی جهان بسیار کم در حد صفر شده باشد. نکته بسیار مهم دیگر، این است که تمام چیزهایی که ذکر شد مربوط به ۴ بعدی است که ما آن را می‌شناسیم و حس می‌کنیم (طول و عرض و ارتفاع و زمان) اما طبق نظریه ریسمانها جهان از یازده بعد تشکیل شده که ما آنها را احساس نمی‌کنیم. به این ترتیب می‌شود ناچیزی و

کوچکی زمین را نسبت به کل کیهان بسنجید که اندازه‌ای نزدیک به یک ذره در میان دریاها را دارد شاید هم کوچکتر. «برای ذره‌ای به این کوچکی ما انسانها چه داستانهای خنده‌داری ساخته‌ایم برایش خدا و پیامبر و بهشت و جهنم و چندین دین و اسلحه و جنگ و بیا و بروی داریم، ما ریزترین پشه‌های یک جنگل بی‌ابتدا و بی‌انتها چقدر کنفرانس و سمینار و کمیسیون و کلاس‌های روانشناسی و مولانا شناسی و خانقاه و مسجد و کلیسا و جلسات محرمانه و توطئه‌های پشت پرده و کودتاهای هیجان‌انگیز و اشغال زمین‌های همدیگر و بمب‌اتم و موشک‌های دور برد و..... می‌سازیم و برپا می‌کنیم. ما اگر عمر جاودان داشتیم چه می‌کردیم، از همه خنده‌دارتر بعضی از ما انسانها باور داریم شخصی بیش از ۱۰۰۰ سال است در ته چاهی نشسته یا ایستاده و امروز و فردا زنده بیرون خواهد آمد. یا باور داریم خدایی به‌انتظار روز قیامت دقیقه شماری می‌کند که عده زیادی از مخلوقش را در آتش بسوزاند و یا روزش را با جیغ‌های آن‌ها به شب برساند! ما آدم‌های بامزه‌ای هستیم.

دریچه‌هایی به سوی روشنایی

- با چوب‌های پوسیده نمی‌شود کشتی ساخت، با افکار پوسیده هم نمی‌شود جامعه و زندگی را ساخت - کارل پوپر
- توهین به پیامبر بخشی از آزادی بیان است - دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس
- یک ابله تحصیل کرده از یک ابله بی‌سواد خیلی خطرناکتر است. مویر
- در ملل عقب مانده، آنها که با مشت‌های گره کرده انقلاب می‌کنند، عاقبت با مشت‌های باز حقوق اولیه خود را گدایی خواهند کرد - چرچیل
- از آنجا که خدا لال است هر ادعایی را می‌توان به او نسبت داد - سارتر
- خدا مُرده است اما طول می‌کشد تا افسانه‌اش هم بمیرد - نیچه
- این چه خدایی است که در هنگام نیاز آدمی یا سکوت می‌کند یا تشریف حضور ندارد - سارتر
- به هذیان دستجمعی نوع بشر می‌گویند دین - فروید
- اگر محمد به معراج رفته چرا از آن بالا کروی بودن زمین را ندیده‌است؟

چه زمانه ایست؟ فروردین ماه ۱۳۷۹ آغاز شاهنشاهی
پیشدادیان - ۳۷۵۳ زرتشتی - ۲۷۷۴ حکومت انتخابی ماد
- ۲۵۷۴ پادشاهی کورش هخامنشی - ۱۳۹۴ اسلامی -
۵۷۷۵ یهودی - ۲۰۱۵ مسیحی

نامه‌های وارده

* سالها پیش در یکی از کتابهای ذبیح‌اله منصوری خواندم، در ایران پیش از تمدن باستان اکثر ایرانیان از گندم (نان) استفاده نمی‌کردند خوردن نان را کسر شأن خود می‌دانستند، و امروز این ملت باستانی به‌بهای خون خود به‌دنبال یک دانه نان می‌دود. پیدا پندار

* جدیدترین فتوای خامنه‌ای - چون زبان انگلیسی زبان مستکبرین و دشمنان اسلام است، تقرب در درس زبان انگلیسی در تمام مقاطع تحصیلی مجاز و حلال است. بی نام

* هرچه ثروت و پول در شکم چاق و چله ایران بود، به بیرون رفت و به‌همین دلیل در ایران نام جمهوری اسلامی را جمهوری اسهالی می‌گویند. حسام صبحی

* ایران ما بیشتر از نابخردی حاکمان، از نادانی خود ما مردمان آسیب دیده است. یکی از همان مردمان. ساسان

* چرا مسلمانهای داعشی آدم‌کش هستند و ما نیستیم؟ عباس

* پاسخ - زبان آنها عربی است و معنای قرآن را دقیقاً درک می‌کنند و موبه مو آن را اجرا می‌کنند.

* ترساندن، تنها معجزه محمدابن عبدالله بوده است. پیام - تهران

* ملاها عقیده دارند، مسلمان واقعی کسی است که مانند چهارپایان به طویله برود. دکتر بهرام چوبینه

* «بیداری - خوشبختانه ما در ایران مسلمان واقعی نداریم»

* زبان بچه کوچک من نمی‌چرخد و هر بار می‌خواهد بگوید کربلا می‌گوید کربلا. آیا خداوند مهربان او را می‌فرستد جهنم؟

* معلم یکی از شهرهای ایران به‌دانش‌آموزان خود می‌گوید، بچه‌ها شما دلتون پاکه دعا کنید باران بیاید، یک دانش‌آموز با هوش پاسخ می‌دهد، آقا ما اگه دلمون پاک بود تا حالا شما سد دفعه مُرده بودید!

* مرد ایرانی قلبی‌ترین مسلمان در بین مسلمانان جهان است، اما زن ایرانی بخاطر صداقت و نجابت و ناآگاهی عمیقاً مسلمان باقی مانده است. درویش

* زن خوب ایرانی را از اعتیاد اسلام رهایی بخشید، تا زن ایرانی مسلمان است ایران به‌همین شکل ویران باقی خواهد ماند و ایران هرگز دارای مردانی بزرگ نخواهد شد. شهرز.

* مرسی که صدای محرومیت ما هستید، ما حق اعتراضی نداریم، ما روزنامه نداریم. مسئولین به‌فکر منافع خودشان هستند، نفت باعث ویرانی استان ما شد، ما تجزیه طلب نیستیم، حتماً خود مختاری هم نمی‌خواهیم، ما فقط به‌دنبال حقوق ابتدایی خودمان هستیم. - بی‌نام از خوزستان.

جهان مکان بزرگی است، اگر فقط ما وجود داشته باشیم. به‌نظر می‌رسد فضا بطور اسفناکی هدر رفته است. کارل سیگان

اگر هر ایرانی می‌داند که در ۱۴۰۰ سال پیش عرب‌ها به ایران حمله کردند، ایرانی‌ها را کشتند، به‌زنها تجاوز کردند و فرزندان ایران اعم از زن و مرد و نوجوان را به‌بردگی بُردند و در سر بازارهای خود فروختند، چگونه این ایرانی می‌تواند دوست عرب‌ها باشد؟ اگر باشد پس همه آن اتفاقات را می‌پذیرد و برایش اشکالی ندارد. چنین کسی دوست ایران و ایرانی نیست دوست دشمنان ایران است. دو دوتا چهارتا، هرکس که عاشق متجاوزین به ایران است دشمن هم میهنان خویش است. پس به اثبات، هرکس که مسلمان است، او دشمن ایران است.

در زیر عکسی که زنجیر زنها و سینه زنها پس و پشت خود را خونین کرده بودند یکی نوشته بود. مردمی که خودشان را کتک می‌زنند نیاز به حقوق بشر ندارند!!

دومی نوشته بود. چرا این مردم برای شخصی که ۱۴۰۰ سال پیش مُرده خود را می‌زنند و گریه زاری می‌کنند اما برای آن ۴۰۰ زن کارتن خواب و یا زنان و دختران بیگناهی که داعش از دست خانواده هایشان بیرون کشیده و بُرده غیرت ندارند تا به‌سر و کول خود بکوبند؟

«فلسفه حجاب»

چون بدن زن، مرد را تحریک می‌کند به‌زنان حجاب می‌پوشانند که مردان گناهی مرتکب نشده و از فیض بهشت محروم نشوند. پس حجاب زنان بخاطر خود زنان نیست برای آنست که مردها حتماً راهی بهشت شوند. هرکاری که زن مسلمان انجام می‌دهد برای فرستادن مردان به جمع حوریان بهشت است. برای زنان در قرآن خبرخوشی نیامده که وضع آنها در بهشت چگونه است، بر عکس تا دلتان بخواهد توهین و تحقیر و کتک خوردن و کمتر ارث بُردن و جوایزی از اینگونه سهم زنان در قرآن است. و عجیب است زنان مسلمان عاشق این کتاب ضد زن هستند.

روز زن

● چند روز پیش هشتم مارس روز زن بود و عجبا که بقیه روزها مرد است و تنها یک روز از ۳۶۵ روز را لطف کرده و به ما داده‌اند، در اسلام آن یک روز را هم از زن مسلمان گرفتند و دادند به فاطمه زهرا! گلبانو

● به زنان اجازه ندادند تا باد از لای موهایشان عبور کند که مبادا ایمان مردانشان بر باد رود. آرش جاویدان

● من یک زنم، شعله‌ای کوچکم که شب پرستان را به نبردی آخرین فرا می‌خوانم، من فریاد ستم‌دیدگانم که نابرابری و توحش را به نبردی آخرین فرا می‌خوانم، من آن زنم که خدا را به مبارزه می‌طلبم و به نبردی آخرین فرا می‌خوانم. آویوان بوکانی

● خدایی که در این جهان این همه وسواس و تهدید و فشار دارد که زنان و دختران را در چادر و ملحفه و حجاب پیچند و بپوشانند، چطور در دنیای بعدی حوری‌ها را لخت و پتی ول می‌کنند زیر دست و پای مردها؟ آیا باور زنان به چنین خدایی درست است؟ همه‌ی دستورهای خدا به همین شکل پوچ و بی معناست. پوراندخت

اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت

سخن نابجایی از: محمدابن عبدالله

آمده در نهج الفصاحه شماره ۲۳۵۸. زمانیکه این آقا چنین سخن توهین‌آمیز و نامربوطی را می‌زد چرا کسی نبود به او بگوید، اگر زن نبود، تو هم نبودی که بروی به بهشت، و جهانی از نبودنت بهشت می‌شد.

آقای (غ) گرامی که در زندانی در کالیفرنیا هستید پاسخ نامه شما دو بار است که برگشت خورده است آیا تغییر مکان داده یا آدرس عوض شده است؟

با همت و یاری نازنینی، شماره نوروزی ما زودتر از معمول به زیر چاپ رفت. سپاس رامین جان

احمد کسروی تبریزی

چند روز پیش سالروز گشته شدن دلاورترین فرزندان ایران، احمد کسروی تبریزی بود که در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ به دست زیون‌ترین مزدوران فداییان اسلام بنام برادران امامی در درون کاخ دادگستری از میان برداشته شد. اما همانطور که خود او گفت «سخنان ما بسیار ریشه‌دار است و هیچگاه با طپانچه از میان نخواهد رفت». سخنان او در تغییر اندیشه‌های پوسیده‌ی ایرانیان تأثیر باور نکرده‌ی داشت و نویسندگان این سطور خود تنها با یک کتاب از این مرد، به نام «زندگانی من» دگرگون گردیدم و از تاریکی‌های قرون، به سوی روشنائی اندیشه چشم گشودم، براستی سخنان احمد کسروی آنچنان ریشه‌دار است که نامش تا ایران برجاست باقی خواهد ماند. یادش را گرامی می‌داریم.

با همت و یاری نازنینی، شماره نوروزی ما زودتر از معمول به زیر چاپ رفت. سپاس رامین جان

حدیث نبوی است که ملایان و عالمان دینی و زنان «مسلمه» به سبب زحماتی که در راه گسترش اسلام در میان مردم می‌کشند پس از مرگ، زنان به مقام والای «حوریه» و مردان به مرتبت «غلمانی» در بهشت می‌رسند. بابک بیباک

طنز - دعای عاقد هنگام عقد کردن دو زن و مرد داعشی. «انشاءالله به حول قوه الهی به پای هم منفجر بشین!» - پدر داعشی به پسر، منفجر شو عمو بینه! - از مکالمه دو مست داعشی، منفجرتیم، اختیار دارین انفجار از ماست، برادر داعشی به برادرش، داشی آگه آخر هفته کاری نداری هماهنگ کن بریم منفجر بشیم. روی دیوار بیمارستان، بر پدر و مادر کسی لعنت که خودش را اینجا منفجر کند.

همکلاسی چینی من با دیدن کارتون پیامبر اسلام در مجله «چارلی هبدو» می‌گوید پیامبر شما به این زشتی بوده یا کاریکاتوریست تازه کار و ناشی؟ پاسخ دادم، هردو. محصل ایرانی

Thinking points for Iranian youth

Thanks for what?

It is ok to appreciate the food on your table, but thanking your god for that food implies he chooses who get to eat and who doesn't. Why would he choose to ignor all the people in the world who die of starvation every day while providing you with nourishment ?. Are you somehow superior to those people ?. Please think befor participating in mindless traditions. Arash - J

مشتربین گرمی، لطفاً مبلغ اشتراک خود را هرچه زودتر بفرستید. در غیر اینصورت متأسفانه شماره بعد را چاپخانه برایتان نخواهد فرستاد.

هر جلد خردنامه که حاوی ۲۰ شماره بیداری است به اندازهی ۲۰ کتاب به شما آگاهی می‌دهد. هر جلد ۳۵ دلار، درون آمریکا هزینه پست ندارد. برای تهیه آن به شماره زیر و یا کتابفروشی‌ها مراجعه فرمایید.

خواندن قرآن به زبان پارسی از واجبات است. چون برای همیشه از آن دست خواهید کشید.

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

چند خبر

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: در آستانه ماه محرم در استان مرکزی، هیات متوسلین به «اسب امام حسین» تأسیس شد!! پس از انتشار این خبر افتخار آفرین یکی زیر آن نوشت، کسانی که به یک اسب متوسل می‌شوند لایق حکومت قاطرها هستند. نام اسب امام حسین دولدل بود، بهتر است بنویسیم هیئت متوسلین دولدل.

خبرگزاری شبستان نوشت: محمد صالح المنجد، مفتی سعودی ساخت آدم برفی را به دلیل آنکه خلق تصویری از بشر است حرام اعلام کرد حتی برای بازی و سرگرمی مجاز نیست. خبرهای جهان اسلام همه نشان از پیشرفت رو بسوی عقب دارد!

آیت‌اله بهجت فرتوت فرمود: هر دختر شیعه با بی‌حجابی خودش، یک سیلی به صورت حضرت زهرا می‌زند!

برای مشترک شدن و سفارش «خردنامه»: با تلفن 858-320-0013 و یا ایمیل زیر تماس بگیرید.
Bidari2@Hotmail.com Bidari.org

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
پتداری
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A